

بسم الله الرحمن الرحيم

فهم و درک من از جهان هستی و رخداد های مربوط به انسان

مهدی بهادی نژاد

۱. من ایمان راسخ دارم که خداوند جهان هستی را طبق نظامی که خود تدوین نموده خلق و مدیریت می کند. هر گروه از موجودات یا مخلوقات نظام مربوط به خود را دارند. نظام آفرینش بزرگترین کهکشان ها و کوچکترین ذرات را در بر می گیرد.
۲. قسمتی از نظام آفرینش مربوط به انسان روی زمین و جوامع بشری می باشد.
۳. انسان برای شاد زیستن آفریده شده و خداوند به او اختیار داده که راه و روش دستیابی به شادی را خود پیدا کند و دنبال نماید.
۴. قاطبه ی مردم جهان بر این باورند و این روش را انتخاب کرده اند که ثروت و شهرت و قدرت برای آن ها شادی می آفریند. این باور و روش اشتباه دلیل تمام مشکلات و مسائلی است که انسان با آن مواجه می باشد، مانند تخریب محیط زیست، کاهش منابع طبیعی، جنگ ها و خونریزی ها و دردها و مسائل بی شمار دیگر.
۵. خداوند انسان را از دو قسمت کاملا متمایز خلق کرده - روح و بدن مادی. روح انسان در برگیرنده ی قسمت های نرم و ظریف زندگی مانند فضایل و رذایل اخلاقی است. بدن مادی را همه می شناسیم که چگونه تولید، متولد و رشد می کند و در نهایت می میرد. روح انسان جاودانه است و نمی میرد. شادی متعلق به روح و لذات جسمانی متعلق به بدن مادی است. روح می تواند روی کارکرد بدن مادی تاثیر بگذارد.
۶. زندگی انسان روی زمین مانند تحصیل او در دانشگاه است (دانشگاه زندگی). در این دانشگاه هر واقعه ای که برای انسان رخ می دهد حاوی درسی برای او بوده و هر کس که در زندگی او حضور دارد مانند معلمی برای اوست. دروس دانشگاه زندگی در جهت زدودن رذایل اخلاقی، پرورش ارزش های انسانی و عشق ورزی و خدمتگزاری بی ریا به نیازمندان است.

۷. مسائل و بیماری‌های سختی که کسی در زندگی متحمل می‌شود در حقیقت دروس مهم او در دانشگاه زندگی هستند که یا باید او خود مطالبی را که قبلاً فرانگرفته بود حالا فراگیرد یا او معلمی است برای دیگران که دیگران دروس دانشگاه زندگی خود را بهتر و سریع‌تر فرا گیرند.

۸. ما انسان‌ها می‌توانیم با خدای خود راز و نیاز کنیم و از او برای تمام نعماتش به ما تشکر کنیم (چه بهتر این شکرگزاری را هر شب در دفتری یادداشت کنیم) و با انجام فرایض دینی و راز و نیاز با خدا از او تقاضا کنیم که به ما توانایی‌یی دهد که بتوانیم تمام رذایل اخلاقی را از خود زدوده و فضایل اخلاقی یا ارزش‌های انسانی را تماما در خود پرورش دهیم و از آن‌ها برخوردار گردیم.

۹. تقاضای دیگر ما از خداوند این است که به ما بینشی عطا کند تا تشخیص دهیم موثرترین خدمت بی‌ریایی را که همراه با عشق‌ورزی بی‌توقع می‌توانیم به نیازمندترین موجودات (به‌ویژه انسان‌ها) ارائه دهیم چیست و توانایی و شهامتی عطا فرماید تا آن را انجام دهیم.

۱۰. فارغ‌التحصیلی از دانشگاه زندگی وقتی پیش می‌آید که ما به آن مرحله از باور برسیم که هرکس و هرچیز را تجلی منحصربه‌فرد و زیبایی خداوند بدانیم که نقش خود را به خوبی در نمایشنامه پر هیجان آفرینش بازی می‌کند.

۱۱. به‌خاطر لطفی که خداوند، خالق و مدیر جهان هستی به انسان دارد تمام انسان‌ها در نهایت از دانشگاه زندگی فارغ‌التحصیل می‌شوند. این حالت وقتی پیش می‌آید که ما انسان‌ها از تمام رذایل اخلاقی مبرا بوده و با عشق بی‌توقع موثرترین خدمت بی‌ریا را به نیازمندترین موجودات (به‌ویژه انسان‌ها) ارائه می‌کنیم و به منتها درجه‌ی شادی رسیده‌ایم و وارد بهشت برین می‌گردیم.

۱۲. چند نمونه‌ی خدماتی که ارائه شده‌اند عبارتند از:

۱. توسعه و گسترش بهداشت عمومی و تولید امکانات و داروها برای پیشگیری و درمان بیماری‌هایی که باعث مرگ میلیون‌ها انسان شده‌اند.

۲. پرورش ارزش‌های انسانی در سطح وسیع جامعه که انسان‌ها در نهایت حقوق یکدیگر به‌ویژه آزادی و داشتن اختیار، را مراعات می‌نمایند.

۳. قیام و فداکاری برای زدودن و از بین بردن هر نوع ظلم، به‌ویژه ظلم حاکمان و افرادی که از ثروت و شهرت و قدرت خود استفاده نموده و مانع داشتن آزادی و برقراری عدالت در جامعه می‌گردند. برای نمونه‌ی بارز چنین اقدامی می‌توان به قیام حضرت امام حسین (ع) بر علیه حکومت یزید اشاره کرد.